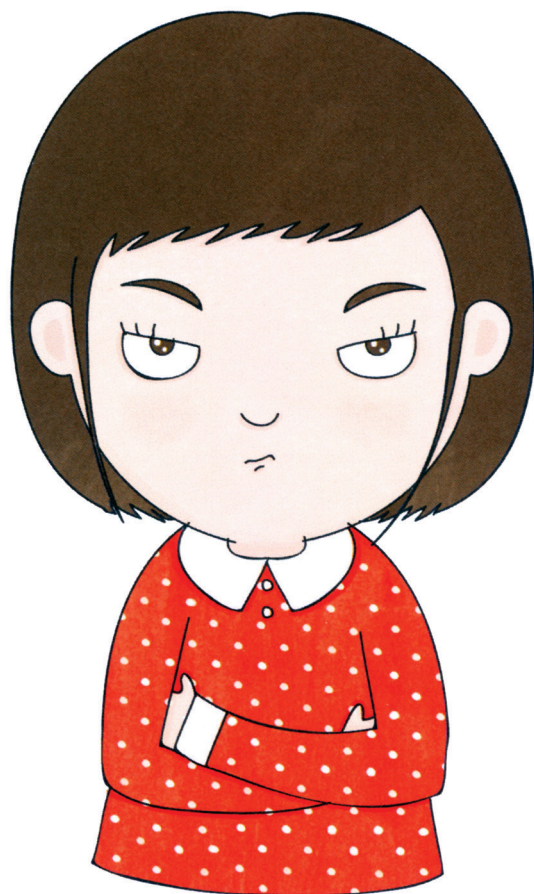




من رنی هستم و چیزهای جدید را امتحان می‌کنم!

من نمی‌خواهم به دندانپزشکی بروم!



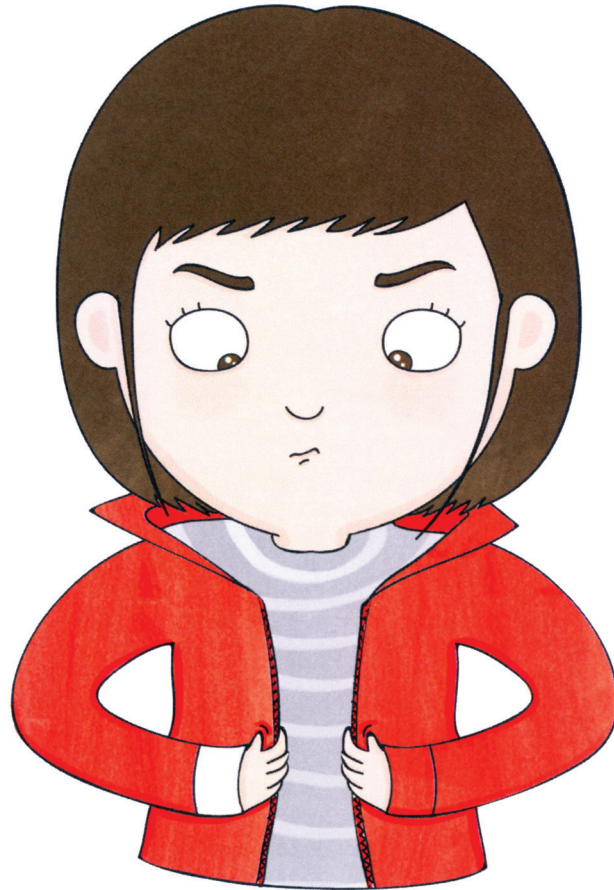
نمی‌دانم آنجا چه اتفاقی می‌افتد و این مضطربم می‌کند.

مادرم می‌گوید: "دندان‌های تو واقعاً نیاز به تمیز کردن دارند، یک تلویزیون روی سقف دندانپزشکی است.
روی صندلی بنشین و به آن نگاه کن." واقعاً لازم است از دندان‌هایم محافظت کنم.



باشه، من رفتن به دندانپزشکی را امتحان می‌کنم.

نمی‌خواهم زیپ کاپشنم را ببندم!



نمی‌دانم چطور این کار را بکنم، برای همین ناامید می‌شوم.